

امکان سنجی تغییر سیستم حقوقی در تابعیت ایران

ام البنین مقتدایی^۱

چکیده

از بین سیستم‌های اعمال تابعیت، بیشتر کشورهای مهاجرپرست از سیستم خون تبعیت می‌کنند و بیشتر کشورهای مهاجرپذیر، طرفدار سیستم خاک هستند. در این میان گروهی از کشورها از جمله ایران، روش تلفیقی از این دو سیستم را برگزیده‌اند که اتخاذ این معیار دوگانه دارای اشکالاتی است. از آنجا که کشور ایران به لحاظ افزایش مهاجرت به این کشور، اکنون رنگ و چهره کشور مهاجرپذیر بودن پیدا کرده و خطر کاهش جمعیت و نیروی کار جوان، ایران را تهدید می‌کند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که با چه مبنایی تغییر در سیستم حقوقی تابعیت می‌تواند راهگشای مشکلات جامعه و مهاجران باشد؟ در این مقاله ضمن بررسی هر یک از سیستم‌ها و مزایا و معایب هر کدام، با توجه به وضعیت جدید ایران، گزینش سیستم خاک به عنوان سیستم مناسب، با روش تحلیلی و توصیفی مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تابعیت، سیستم خون و خاک، اولویت سیستم خاک، سیستم حقوقی ایران

۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه رضوی، مشهد، ایران

ایمیل: omolbaninmoqtadaei@gmail.com

مقدمه

اولین مسئله‌ای که برای یک دولت مطرح است این است که در روابطش با ملت، افرادی را متعلق به خود می‌داند و از سایر کشورها جدا می‌سازد و در قبال حمایت از اشخاص تابع، وظایفی را برای آنان در نظر می‌گیرد. بنابراین بارزترین نشانه هویت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اشخاص، فارغ از موقعیت جغرافیایی آنان، موضوع تابعیت است. تابعیت به مثابه یک پیوند اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میان فرد و دولت، نقش اساسی در هویت ملی و گروهی افراد دارد. با توجه به پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل و تحولات اجتماعی و فرهنگی، درک دقیق مفهوم تابعیت و نتایج آن برای دولت‌ها و شهروندان ضروری است. موضوع تابعیت نه تنها به حقوق و وظایف افراد در قبال دولت مربوط می‌شود، بلکه بر نحوه تعامل کشورها با یکدیگر و سیاست‌های مهاجرتی و هویتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

تابعیت به معنای ارتباط سیاسی و معنوی است که فرد را به یک دولت خاص وصل می‌کند. در مرحله اول، این ارتباط به صورت سیاسی است که از قدرت و حکومت آن دولت نشئت می‌گیرد و فرد خود را جزئی از آن می‌داند. در مرحله دوم، این رابطه جنبه معنوی دارد که به محل زندگی فرد مربوط نیست. به عنوان مثال، یک ایرانی در هر نقطه‌ای از جهان، همچنان پیوند خود را با کشورش حفظ کرده و یک ارتباط عاطفی و معنوی با میهن خویش دارد. افرادی که شرایط مقرر در ماده ۹۷۶ قانون مدنی^۱ را دارا باشند، تبعه ایران محسوب می‌شوند. در این مطلب، نتیجه حاصله از بند ۲ ماده مذکور که ناظر به افرادی است که متولد از پدر ایرانی هستند بررسی شده است. علاوه بر آن شرط اعمال این بند و حقوق ناشی از تابعیت به موجب آن بر مبنای سیستم خون در مقایسه با بند ۳ و ۴ و ۵ همین ماده که ناظر به گزینش سیستم خاک است، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: ۱) کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد. ۲) کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است؛ اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند. ۳) کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد. ۴) کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند. ۵) کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل ۱ سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. ۶) هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند. ۷) هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد. تبصره: اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.



در این نوشتار به بررسی و تحلیل بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و شرایط آن، به‌ویژه در رابطه با افرادی که از پدر ایرانی متولد شده‌اند، پرداخته شده است. هدف این تحقیق، واکاوی معنایی تائیت و مقایسه سیستم خون و خاک است؛ زیرا مقایسه دو نظام تابعیتی (سیستم خون و سیستم خاک) سبب شناسایی بهتر تابعیت و حقوق ناشی از آن می‌شود تا با افزایش آگاهی افراد از حقوق و مسئولیت‌های ناشی از تابعیت، به‌ویژه در سطح بین‌المللی و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن، به مخاطبان کمک نماید. بنابراین می‌توان گفت تأکید بر پیوند عاطفی و معنوی افراد با کشور خود، به‌ویژه در شرایطی که ممکن است در خارج از مرزهای جغرافیایی آن زندگی کنند، مدنظر قرار می‌گیرد.

۱. تعریف تابعیت

تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی یا یک شیء با یک دولت معین؛ به‌گونه‌ای که حقوق و تکالیف او از همین رابطه ایجاد می‌گردد. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۸۴)

رابطه سیاسی یعنی اگر کسی ایرانی نباشد، حق کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری و رأی دادن را نخواهد داشت. (ارفع نیا، ۱۳۸۲: ۱) رابطه حقوقی یعنی اگر کسی ایرانی نباشد نمی‌تواند از حقوقی همچون مالکیت اموال غیرمنقول موجود در ایران بهره‌مند شده یا ولی و قیم مولی‌علیه، گردد. (آل کجباف، ۱۳۸۹: ۵۰) رابطه معنوی یعنی این که یک شخص ایرانی به زبان فارسی صحبت می‌کند و با فرهنگ و آداب ایرانی آشنا است؛ اما یک آمریکایی یا انگلیسی چنین رابطه معنوی را ندارد. (ارفع نیا، ۱۳۸۲: ۴۰)

آنچه از این تعریف به دست می‌آید این است که یک طرف تابعیت، همواره دولت است و این به معنای آن است که تأثیر افراد از دولت می‌تواند مشخص‌کننده تابعیت فرد و سیستم حقوقی یک دولت باشد، نه رابطه نسبی و خونی و نژادی افراد.

۲. عناصر تابعیت

الف. شخص، اعم از حقیقی یا حقوقی.

ب. دولت یعنی نهادی که سه عنصر جمعیت، سرزمین و حاکمیت را دارا باشد.

ج. رابطه و اتصال بین فرد و دولت (رابطه سیاسی-حقوقی-معنوی).

۳. اصول تابعیت

اصول تابعیت بر اساس کنوانسیون قواعد حل تعارض قوانین تابعیتی مصوب ۱۹۳۰ لاهه، در اینجا بررسی می‌شود:

۳-۱. اصل لزوم تابعیت

لزوم تابعیت برای هر فرد از نظر عقل و منطق، کاملاً روشن است. انسان‌ها همیشه در جوامعی زندگی می‌کنند و این سؤال اساسی مطرح می‌شود که چگونه می‌توان انتظار داشت فردی در جامعه‌ای زندگی کند، در حالی که هیچ‌گونه وابستگی به آن جامعه نداشته باشد. اگر مشخص نباشد که شخص به کدام جامعه تعلق دارد و تبعه چه کشوری است، برای او وضعیتی غیرعادی و مبهم به وجود می‌آید. در چنین شرایطی، حقوق و تکالیف فرد در جامعه نامشخص می‌ماند. این نامشخص بودن می‌تواند مشکلات بسیاری در زمینه‌هایی مانند ازدواج، صدور اسناد قانونی، طلاق و ارث ایجاد کند. جایی که لازم است قوانین یک دولت بر تعاملات و اقدامات فرد حاکم باشد، بدون آگاهی از تابعیت فرد، نمی‌توانیم قوانین و مقررات آن دولت را در مورد او اعمال کنیم. این مسئله می‌تواند به بروز چالش‌ها و مسائل حقوقی جدی منجر شود. لذا وجود تابعیت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که شفافیت در روابط حقوقی و اجتماعی افراد را تضمین می‌کند. (خلعتبری، ۱۳۱۶: ۲۱)

از اصل فوق‌الذکر که هر فردی باید تابعیتی داشته باشد، دو نتیجه حاصل می‌شود: اول آنکه هر فردی به محض تولد، باید تبعه دولت معینی باشد و دوم آنکه هیچ فردی نمی‌تواند ترک تابعیت کند، بدون آنکه تابعیت دولت دیگری را بپذیرد.

۳-۲. اصل وحدت تابعیت

اصل وحدت تابعیت به معنای این است که هر فرد تنها می‌تواند یک تابعیت قانونی و رسمی در یک زمان معین داشته باشد. این اصل به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا افرادی را که تحت تابعیت آن‌ها قرار هستند، شناسایی کرده و در قبال آن‌ها حقوق و وظایفی تعریف کنند.

اصل وحدت تابعیت ویژگی‌های دارد که به اختصار اشاره می‌کنیم:

انحصار تابعیت: این اصل به این معنا است که شخص نمی‌تواند هم‌زمان تابعیت دو یا چند کشور را داشته باشد. البته در برخی کشورها ممکن است از اصول استثنا قائل شوند و



دو تابعیتی را تحت شرایط خاصی بپذیرند.

حقوق و مسئولیت‌ها: تحت این اصل، فرد دارای مسئولیت‌های قانونی و اجتماعی نسبت به دولت خود بوده و در مقابل آن نیز از حقوق و مزایای خاصی بهره‌مند می‌شود. تأثیر بر روابط بین‌الملل: اصل وحدت تابعیت می‌تواند بر تعاملات بین‌المللی تأثیر بگذارد، به‌ویژه در موضوعاتی همچون مهاجرت، وضعیت پناهندگان و دیپلماسی. محافظت از حقوق: این اصل به دولت‌ها کمک می‌کند تا از حقوق و منافع شهروندان خود در داخل و خارج از کشور محافظت کنند.

همان‌طور که یک فرد بدون تابعیت (آپاترین)^۱ در شرایطی غیراستاندارد قرار دارد، شخص دارای بیش از یک تابعیت نیز با وضعیت مشابهی مواجه است. تابعیت به‌عنوان منبعی برای حقوق و مسئولیت‌ها عمل می‌کند و زمانی که فردی دو تابعیت دارد، از یک سو برخورداری از حقوق و مزایای ناشی از هر یک از دولت‌ها ممکن است ناعادلانه به نظر برسد و از سوی دیگر، انجام تمامی تکالیف مربوط به هر دو دولت برای او بسیار دشوار خواهد بود. وجود تابعیت مضاعف می‌تواند موجب تعارض و تضاد بین دولت‌هایی شود که فرد به آن‌ها وابسته است. این وضعیت با نظم بین‌المللی، خصوصاً از لحاظ توزیع جغرافیایی افراد میان دولت‌ها، مغایرت دارد. همچنین دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به افرادی که تابعیت دوگانه دارند، نگرش مثبتی داشته باشند. از منظر قوانین بین‌المللی، هر دولت این حق را دارد که تابعیت خارجی این افراد را نادیده بگیرد و آن‌ها را تنها به‌عنوان تابعان خود به شمار آورد. با این حال، مسئله‌ای که هنوز بین دولت‌ها مورد بحث است، این است که تابعیت چگونه باید به افراد اعطا شود و بر اساس کدام سیستم باید این فرآیند صورت بگیرد. این اختلاف نظر به پیچیدگی‌های بیشتری در رابطه با حقوق و وظایف افراد دارای تابعیت مضاعف می‌افزاید و نیازمند توجه و بررسی دقیق‌تری است.

۳-۳. اصل تغییرپذیری تابعیت

اصل تغییرپذیری تابعیت به معنای این است که افراد می‌توانند تابعیت خود را بر اساس اراده خود تغییر دهند. این اصل به افراد اجازه می‌دهد تا با شرایط خاص، از تابعیت یک

1. Stateless

کشور به تابعیت کشور دیگر منتقل شوند یا به طور کلی، تابعیت خود را ترک کنند. اصل تغییرپذیری تابعیت نیز ویژگی‌های دارد که به اختصار اشاره می‌کنیم:

انتقال تابعیت: افراد می‌توانند از طریق مهاجرت، ازدواج، یا شروط خاص قانونی تابعیت کشور جدیدی را دریافت کنند. این شامل درخواست برای تابعیت از طریق سیستم‌های مختلف، مثل سرمایه‌گذاری، تحصیل، یا کار می‌شود.

ترک تابعیت: افراد ممکن است تصمیم بگیرند که از تابعیت خود صرف‌نظر کنند که معمولاً شامل روندهای قانونی مشخصی است.

تغییرات در قوانین: تغییرپذیری تابعیت به قوانین هر کشور بستگی دارد. بنابراین شرایط و مراحل تغییر تابعیت، می‌تواند در کشورهای مختلف متفاوت باشد.

چالش‌های حقوقی: تغییر تابعیت ممکن است با چالش‌ها و تبعات حقوقی همراه باشد؛ مانند از دست دادن حقوق یا مزایا در کشور قبلی و لزوم تطابق با قوانین کشور جدید.

دو تابعیتی: برخی کشورها اجازه دو تابعیتی را تحت شرایط خاص می‌دهند که به فرد امکان می‌دهد هم‌زمان تابعیت دو کشور را داشته باشد، در حالی که برخی دیگر این موضوع را ممنوع می‌دانند.

بنابراین اصل تغییرپذیری تابعیت در واقع بیانگر حق فرد در انتخاب هویت و جایگاه اجتماعی خود است و نشان می‌دهد که تابعیت، تنها یک وضعیت ثابت نیست، بلکه می‌تواند تحت تأثیر شرایط زندگی و تصمیمات فردی تغییر کند.

می‌توان گفت حق تغییر تابعیت از این امر سرچشمه می‌گیرد که دیده شده رضایت فرد در تمکین از دولتی معین تا چه پایه در صلح و ثبات و پیشرفت یک جامعه بین‌المللی مؤثر است. اینکه کسی می‌تواند در دوران کنونی تابعیت یک دولت را، به اراده خود، ترک کند و تابعیت دولت دیگر را بپذیرد نتیجه تحول‌هایی است که از قرن (۱۳) میلادی در حقوق فرد در برابر دولت پدید آمده و خود، گذشته از علل و عوامل دیگر، از این شناخت سرچشمه گرفته که دیده شده، رضایت فرد در تمکین از دولتی معین تا چه پایه در صلح و ثبات و پیشرفت تکنولوژی و رواج اعتقادات و فرهنگ‌های یک جامعه حتی در محدوده بین‌المللی مؤثر است. بنابراین امروزه تابعیت فرد نسبت به دولت، مانند روزگاران گذشته، به معنای انقیاد مطلق و همیشگی نسبت به دولت است. (سلجوقی، ۱۳۹۱: ۶۵)



۴. سیستم‌های اعمال تابعیت (روش تحصیل تابعیت)

این روش‌ها به افراد این امکان را می‌دهد که از حقوق و مزایای شهروندی یک کشور بهره‌مند شوند و تعهدات قانونی و اجتماعی مربوط به آن را نیز قبول کنند. این فرآیندها در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف نقش بسزایی دارند.

همین که طفلی به دنیا آمد، ناگزیر تابعیت دولتی به او تحمیل می‌شود. این یک قانون اجتماعی است و امروزه تقریباً همه دولت‌ها، آن را پذیرفته‌اند. روش تحصیل تابعیت به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن فرد می‌تواند به‌طور قانونی یک تابعیت جدید دریافت کند. این روش‌ها معمولاً بر اساس قوانین هر کشور متفاوت هستند و می‌توانند شامل مجموعه‌ای از شرایط و مراحل مشخص باشند. در ادامه روش‌های متداول تحصیل تابعیت را بررسی می‌کنیم:

۴-۱. تابعیت به‌صورت تولد (jus soli)

سیستم خاک به روشی اشاره دارد که بر اساس آن تابعیت یک شخص، بر مبنای محل تولد وی تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، هر فردی که در کشوری به دنیا بیاید، تابعیت آن کشور را خواهد داشت. این سیستم به‌ویژه در کشورهای مهاجرپذیر مانند آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا کاربرد دارد و امروزه بیشتر کشورها از این رویکرد، برای تعیین تابعیت خود استفاده می‌کنند.

افرادی که در قلمرو یک کشور به دنیا می‌آیند، به‌طور خودکار تابعیت آن کشور را دریافت می‌کنند. این روش در برخی کشورها مانند ایالات متحده و کانادا رایج است.

۴-۲. تابعیت به‌صورت نسبی (jus sanguinis)

سیستم خون یا تابعیت نسبی، سیستمی است که در آن تابعیت از طریق نسب به طفل تحمیل می‌شود؛ یعنی طفل به‌محض تولد، تابعیت پدر یا مادرش را تحمل خواهد کرد. این سیستم به محل تولد کاری ندارد. کشورهایی چون سوئیس، اتریش، آلمان و مجارستان، از این سیستم تبعیت می‌کنند. بیشتر کشورهای مهاجرفرست، دارای این سیستم هستند. برخی از کشورها یک سیستم را به‌صورت مطلق و سیستم دیگر را به‌صورت مشروط، پذیرفته‌اند تا از مزایای هر دو سیستم استفاده کنند.



افرادی که از والدین دارای تابعیت یک کشور متولد شده‌اند، می‌توانند تابعیت آن کشور را دریافت کنند، حتی اگر در آن کشور به دنیا نیامده باشند. این روش در بسیاری از کشورها مانند ایران به کار می‌رود.

۳-۴. تابعیت از طریق مهاجرت

افراد می‌توانند با ورود به یک کشور به عنوان مهاجر و با گذراندن شرایط خاص، مانند زندگی در کشور به مدت معین، تسلط به زبان و فرهنگ کشور و عدم سوابق کیفری، درخواست تابعیت آن کشور را بدهند و پذیرفته شوند.

۴-۴. تابعیت از طریق ازدواج

بسیاری از کشورها به افراد خارجی که با یک شهروند آن کشور ازدواج می‌کنند، تسهیلاتی برای دریافت تابعیت ارائه می‌دهند. این شامل شرایط خاص مانند مدت زمان زندگی مشترک و اثبات رابطه واقعی است.

۵-۴. تابعیت از طریق سرمایه‌گذاری

برخی کشورها برای جذب سرمایه‌گذار، برنامه‌های تابعیت از طریق سرمایه‌گذاری را ارائه می‌دهند. افراد می‌توانند با سرمایه‌گذاری معین در اقتصاد کشور، تابعیت آن کشور را به دست آورند.

۶-۴. تابعیت به صورت اعطایی

در برخی موارد، دولت‌ها ممکن است به طور خاص به افراد معروف یا افراد با استعداد در زمینه‌های خاص، تابعیت اعطا کنند.

با توجه به روشهای گفته شده، تابعیت ایران را می‌شود از سه طریق به دست آورد: ۱. به وسیله اجرای سیستم خون یا خاک و در زمان ولادت یا احیاناً بعد از ولادت؛ ۲. به وسیله ازدواج؛ ۳. به وسیله پذیرش به تابعیت ایران. (نصیری، ۱۳۷۲: ۶۱) تابعیت اصلی ایران در ماده ۹۷۶ قانون مدنی تعیین شده است که البته می‌توان گفت این ماده، ماده ثقیلی است؛ زیرا موارد مختلف اعمال روش خاک و روش خون و نیز دو مورد از موارد تابعیت اکتسابی را در یک ماده آورده است، در حالی که می‌توانست مواد مختلفی را به این موضوع اختصاص دهد.



۵. تابعیت اصلی بر اساس سیستم خاک و خون

تابعیت اصلی تابعیتی است که در زمان تولد به شخص، تحمیل می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۱۰۹؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۶۱) تابعیت اصلی ایران را کسانی دارا هستند که تابعیت ایرانی آن‌ها ناشی از تابعیت ایرانی پدر آن‌ها یا تولد آن‌ها در سرزمین ایران باشد. این‌گونه تابعیت‌ها به زمان تولد شخص مربوط‌اند و اینکه تابعیت او یا ناشی از تولد وی در خانواده‌های ایرانی (سیستم خون) یا تولد در سرزمین ایران (سیستم خاک). (بلدسو، ۱۳۷۵: ۱۶۱ و ۱۶۲) به لحاظ برخی تفاوت‌ها میان حقوق اجتماعی دارندگان تابعیت اصلی ایران و تابعیت اکتسابی ایران، تمایز میان این دودسته از اتباع ایران ضرورت دارد. (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۷۸)

در بند اول حکمی کلی برای اعمال روش خاک در نظر گرفته است و در بند ۲، روش خون و در بند ۳ و ۴ و ۵ روش خاک را به‌صورت مشروط قابل اجرا دانسته است و بند ۶ و ۷ راجع به تابعیت اکتسابی است. (ارفع نیا، ۱۳۷۴: ۶۴)

۵-۱. تابعیت در ایران به لحاظ سیستم خون

تابعیت ایرانی بر اساس سیستم خون به این معنا است که هر فردی که پدرش ایرانی باشد، به صرف وجود این وابستگی خانوادگی، به‌عنوان تبعه ایران شناخته می‌شود. بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به‌وضوح این موضوع را بیان کرده است و تصریح می‌کند: «افرادی که پدر آنان تبعه ایران است، چه در داخل کشور و چه در خارج از آن متولد شوند، به‌عنوان تبعه ایران شناخته می‌شوند».

به‌عنوان مثال، اگر یک ایرانی در لندن زندگی کند و فرزندى از او به دنیا بیاید، آن کودک طبق قوانین ایران به‌عنوان تبعه این کشور محسوب می‌شود. از زمانی که این فرزند به ایران سفر کند، تحت قوانین و مسئولیت‌هایی قرار می‌گیرد که برای تمامی ایرانیان به یک اندازه اعمال می‌شود. به این ترتیب، رابطه خونی و نسبی با پدر ایرانی، تابعیت را برای کودک به ارمغان می‌آورد و او به‌عنوان یک شهروند ایرانی از حقوق و وظایف مربوط به تابعیت خود بهره‌مند می‌شود. (ارفع نیا، ۱۳۷۴: ۶۴)

این ماده قانون مدنی به تولد در خارج از کشور اشاره دارد و بیان می‌کند که فرزندان



که از پدر ایرانی متولد می‌شوند، حتی اگر در کشور دیگری به دنیا بیایند، تابعیت ایرانی خواهند داشت. به عبارت دیگر وقتی هویت و تابعیت پدر مشخص می‌شود، تابعیت فرزند نیز به تبع آن تعیین می‌گردد. این موضوع بدین معنا است که اگرچه کودک در کشوری دیگر متولد شده و ممکن است تابعیت آن کشور را نیز دارا باشد؛ اما از منظر قانون ایران، او به‌عنوان تبعه این کشور شناخته می‌شود.

مهم است که دانسته شود تابعیت ایرانی پدر شامل مواردی از قبیل تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی می‌شود. با این حال، «قانون ایران تنها سیستم خون را از طریق نسب پدری به رسمیت شناخته است و نسب مادری به‌هیچ‌عنوان در این زمینه مدنظر قرار نمی‌گیرد. بنابراین، تابعیت ایرانی بر اساس روابط نسبی با پدرانی که تبعه ایران هستند، شکل می‌گیرد و این در حالی است که ارتباط خونی با مادر هیچ تأثیری بر تابعیت فرزندان ندارد. (نصیری، ۱۳۷۲: ۶۴) عدم اشاره به نام مادر در قوانین تابعیت ایران، می‌تواند به دو دلیل اصلی مربوط شود:

اولاً قانون‌گذار ایرانی بر این باور بوده که در مسائل مربوط به خانواده و تابعیت، وحدت تابعیت لازم است. از این رو، نیازی به ذکر نام مادر احساس نکرده و تنها بر پایه نسب پدری تأکید کرده است. این رویکرد نشان‌دهنده این است که تابعیت یک خانواده، عمدتاً به تابعیت پدر وابسته است.

ثانیاً با استناد به بند ۶ ماده ۹۷۶، هر زنی که با مرد ایرانی ازدواج کند، به‌طور خودکار تابعیت ایرانی می‌گیرد. این قانون به این معنا است که حتی اگر زن به‌طور پیشین تابعیت یک کشور دیگر را داشته باشد، به‌محض انعقاد عقد ازدواج، بدون نیاز به ابراز اراده خاصی، تابعیت ایرانی را کسب می‌کند. این امر به‌خوبی نشان می‌دهد که «نهاد خانواده در قوانین تابعیت ایران، اعتبار بیشتری به پدر می‌دهد و تغییر تابعیت مادر به تابعیت ایرانی به‌سادگی و به‌طور خودکار اتفاق می‌افتد، حتی اگر او تابعیت قبلی خود را طبق قوانین کشورش حفظ کرده باشد. بنابراین این تنظیمات قانونی به منطقی‌ترین شیوه، هویت و تعلقات قانونی اعضای خانواده را مشخص کرده است.» (ارفع نیا، ۱۳۷۴: ۶۸)

بنابراین اگر فردی از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شود، تابعیت او به‌موجب بند ۲



ماده ۹۷۶ قانون مدنی، به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ زیرا این بند به صراحت تنها به فرزندان دارای پدر ایرانی اشاره دارد. در این حالت، تابعیت این کودک تا زمانی که قانونی اتخاذ نشود، خارج از دایره شمول بند ۲ قرار می‌گیرد؛ اما اگر این فرد در خاک ایران به دنیا بیاید، تابعیت او بر اساس موارد خاصی که در بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ذکر شده است، قابل بررسی و احصای تابعیت ایرانی خواهد بود. به عنوان مثال:

بند ۳: به تولد در خاک ایران مرتبط است و در شرایط خاص، فرزندان کسانی که در خاک ایران به دنیا می‌آیند، می‌توانند تابعیت ایرانی کسب کنند.

بند ۴: شامل افرادی است که در ایران متولد می‌شوند. لذا این افراد می‌توانند تابعیت را بر اساس این بند به دست آورند.

بند ۵: به شروط خاصی اشاره دارد که می‌تواند شامل فرزندان خارجی‌تبارانی باشد که در ایران متولد می‌شوند و شرایط قانونی خاصی را دارا باشند.

بنابراین تولد در ایران می‌تواند به لحاظ شرایط متناسب، راهی برای احراز تابعیت ایرانی این افراد باشد، حتی اگر یکی از والدین آن‌ها بیگانه باشد. (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۷۹)

از طرف دیگر می‌توان گفت پذیرش تابعیت ایرانی پدر و انتقال آن به طفل معلوم الوالد، شاید بدین دلیل باشد که نسب و مشروعیت طفل در حقوق اسلامی بر مبنای نسب پدری استوار است؛ اما «باید اذعان داشت که تابعیت، پیوندی سیاسی است که در حقوق عمومی مطرح است و ارتباط میان اشخاص با یک دولت را برقرار می‌سازد؛ اما نسب و پیوند طفل به والدین به دلیل ایجاد حق ابوت و ایجاد تکلیف برای والدین، به احوال شخصیه و حقوق مدنی اشخاص مربوط است که در حقوق خصوصی مطرح می‌شود. ممکن است عدم پذیرش تابعیت ایرانی مادر در ایجاد تابعیت اصلی طفل منجر به ایجاد و گسترش معضل آپاتریدی یا بی‌تابعیتی گردد». (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۴: ۴۹)

۱-۱-۵. اشکالات سیستم خون

اصل خون در ابتدا در کشورهای اروپایی مورد استفاده قرار گرفت. این اصل پس از وقوع انقلاب فرانسه و در زمان تدوین قانون مدنی آن کشور در ۱۸۰۴ از سوی قانون‌گذار فرانسوی، بنا به مصالحی چون پرجمعیت بودن و دلایل نژادی مقبول واقع شد و اصل خاک

کنار زده شد. سپس دیگر کشورهای اروپایی به تبعیت از فرانسه، اصل خون را به‌عنوان مبنای اصلی انتساب تابعیت در مقررات خود قرار دادند؛ (patrick weil and Alexis Spire, 2007, 187) اما این سیستم با اشکالاتی مواجه است (نیازی، ۱۳۹۴: ۳۹) که عبارتند از:

الف. اطفالی که والدین معینی ندارند: کشورهای اروپایی اطفال بدون والدین مشخص، ارقام بزرگی را تشکیل می‌دهند. این اطفال سر راهی که سازمان‌های عمومی آن‌ها را اداره می‌کنند نمی‌توانند از سیستم خون استفاده کنند و تابعیت والدین را به دست آورند. این در حالی است که پیامدهای عدم ملیت بسیار زیاد و شدید بوده و بسیاری از کودکان بدون تابعیت در فقر شدید رشد می‌کنند و از حقوق اولیه محروم می‌شوند.^۱

ب. اطفالی که والدین بدون تابعیت دارند: جمعی از افراد به دلایل مختلف فاقد تابعیت هستند، به اطفال این گروه هم نمی‌شود تابعیت والدین را تحمیل کرد؛ زیرا والدین تابعیتی ندارند که به فرزندان منتقل کنند. در حال حاضر حدود ۲۳۷ میلیون کودک زیر پنج سال در سراسر جهان فاقد شناسنامه و در خطر بی‌تابعیتی هستند.^۲ در مواردی که چنین اشکالاتی در سر راه استفاده از سیستم خون وجود دارد، باید متوجه سیستم خاک بود.

۵-۱-۲. تعارض سیستم‌های پذیرشی تولدی کشورها

اگر کلیه دولت‌ها یک سیستم خاک یا خون را اعمال می‌کردند، فروض زیادی برای پیدایش بی‌تابعیتی و ایجاد تابعیت مضاعف نبود، ولی از آنجا که هر دولتی مطابق مصالح خود تدابیری را اتخاذ می‌کند و دولت‌ها عموماً به یک شکل و روش عمل نمی‌کنند، قهراً مشکل بی‌تابعیتی و آثار ناشی از آن حادث می‌شود. در بعضی از کشورها سیستم خون و در بعضی دیگر، سیستم خاک و در بعضی دیگر هر دو اعمال می‌گردد. لذا به ناچار با پدیده بی‌تابعیتی مواجه می‌شویم. برای جلوگیری از چنین مشکلاتی، اول اوت ۱۹۸۹ قانون اساسی کشور مالت به اصل خون انتقال یافت. (Sadiq, 2008)

1. Children's right to a nationality, OPEN SOCIETY JUSTICE INITIATIVE, p.1, For more information, see the Open Society Justice Initiative website: <http://www.justiceinitiative.org>

2. U.S. Department of State. (2021). Statelessness BUREAU OF POPULATION, REFUGEES, AND MIGRATION. Taken from U.S. Department of State: <https://www.state.gov/other-policy-issues/statelessness/>, accessed on March 10, 2022.



۵-۲. اولویت سیستم خاک و مزایای آن

سیستم خاک، به‌عنوان روشی برای تعیین تابعیت، به این معنا است که تابعیت هر فردی بر اساس مکان تولد وی مشخص می‌شود. درواقع، هر انسانی که در یک کشور به دنیا بیاید، تابعیت آن کشور را به دست می‌آورد. این سیستم به دلیل اینکه هر فرد به‌طور اجتناب‌ناپذیری در یک محل مشخص متولد می‌شود، می‌تواند به‌عنوان یک اصل اساسی در حقوق بین‌الملل تلقی شود.

به این ترتیب، اگر تمامی کشورها به‌طور عمومی و برابر، سیستم خاک را به رسمیت بشناسند، اوضاع به‌گونه‌ای خواهد بود که هیچ فردی در معرض بی‌تابعیتی، یا به اصطلاح آپاتریدی، قرار نخواهد گرفت. به عبارتی، هر شخصی که در هرکجای دنیا به دنیا بیاید، به‌طور خودکار تابعیت کشوری را که در آن متولد شده، به دست می‌آورد. این امر می‌تواند به حل مشکل افرادی که بدون تابعیت هستند، کمک کند و تضمین کند که هر فرد در هرجایی از دنیا حداقل تابعیت یکی از کشورها را خواهد داشت. «بنابراین، پذیرش عام و جهانی این سیستم می‌تواند به رفع مشکلات حقوقی و اجتماعی ناشی از بی‌تابعیتی و ایجاد یک نظام حقوقی متقن در سطح بین‌المللی کمک کند»؛ (حدادیان، ۱۳۹۵: ۱۰۸۹) زیرا سیستم خاک دارای مزایایی است که با تطبیق این مزایا بر حقوق ایران می‌توان به وجه اولویت این سیستم، دست یافت. برخی از این مزایا ذیلاً عنوان می‌گردد:

۱. تسلط دولت‌ها نسبت به اعمال حاکمیت قانونی بر افراد: در بحث تابعیت، این موضوع مهم است که بیشتر به رابطه فرد با دولت مربوط می‌شود تا رابطه بین فرزند و والدین. درواقع، تابعیت بر پایه اصولی مانند سیستم خاک شکل می‌گیرد که به مرتبط بودن فرد با خاک کشور اشاره دارد. هر دولتی می‌تواند نسبت به افرادی که در قلمرو هستند، قدرت و حاکمیت خود را اعمال کند و این حاکمیت به تابعیت آن‌ها ارتباط می‌یابد. بنابراین فردی که در کشوری متولد می‌شود، به‌طور طبیعی می‌تواند تابع آن کشور شناخته شود و این دولت حق دارد از او خواسته‌ها و وظایف خاصی را در زمان بزرگسالی انتظار داشته باشد. اگر فردی از قلمرو یک کشور خارج شود، دولت دیگر نمی‌تواند به‌طور مستقیم بر او نفوذ و کنترل داشته باشد، به دلیل فقدان ارتباط فیزیکی و قانونی.

به‌عنوان شاهی بر این ادعا، می‌توان به افرادی اشاره کرد که تابعیت دولت معینی را به دلیل نسبت‌های خونی دریافت کرده‌اند؛ اما هرگز هیچ‌گونه وظایفی نسبت به آن دولت انجام نداده‌اند و عملاً تابع دولت دیگری بوده‌اند که در خاک آن متولد شده‌اند. این نکته نشان می‌دهد که در عمل، تابعیت از طریق خاک و ارتباط فرد با دولت به مراتب مهم‌تر از نسبت خونی او با والدین است. بنابراین هنگام بررسی مفهوم تابعیت، باید به این نکته توجه داشت که نهایتاً این رابطه فرد با دولت است که در مراجع حقوقی و عملی مدنظر قرار می‌گیرد، نه فقط روابط خونی یا رابطه فرزند با والدین.

۲. حمایت از افراد سرزمین: هر فردی که در یک کشور زندگی می‌کند، به‌طور طبیعی انتظار دارد که تحت حمایت قوانین آن کشور باشد و مانند دیگر ساکنان آن سرزمین، از حقوق و تکالیفی بهره‌مند شود. سیستم خاک به همین منظور طراحی شده است تا تابعیت را به افرادی اعطا کند که در آن کشور متولد شده و در آنجا سکونت دارند. این اصل موجب ایجاد پیوند میان اقامتگاه فرد و تابعیت او می‌شود. اگر تصمیم گرفته شود که تنها بر اساس مکان تولد و سیستم خاک، تابعیت به یک فرد تحمیل شود و سپس او به کشوری دیگر برای زندگی برود، مشکلاتی به وجود خواهد آمد. برای مثال، اگر فردی در یک کشور غیر ایرانی متولد شود، ولی پدرش ایرانی باشد، ممکن است بخواهد تابعیت ایران را نیز کسب کند. این وضعیت می‌تواند به تعدد تابعیت‌ها منجر شود و مسائل حقوقی و اجتماعی متعددی را ایجاد کند.

درواقع، بسیاری از کشورها مانند انگلیس و آمریکا به سیستم خاک گرایش بیشتری دارند و در حقوق شخصی، قانون محل اقامت را به‌عنوان دستورالعمل اصلی در نظر می‌گیرند. در موارد تعارض قوانین نیز، قانون اقامتگاه به‌عنوان معیار تصمیم‌گیری پذیرفته می‌شود. این رویکرد کمک می‌کند تا تابعیت و حقوق افراد به‌طور منطقی و منسجم مدیریت شود و از بروز مشکلات ناشی از چندگانگی تابعیت‌ها جلوگیری گردد.

۳. از بین بردن پدیده بی‌تابعیتی: سیستم خون نمی‌تواند به‌طور کامل مسئله تابعیت را نسبت به افراد حل کند. همان‌طوری که دیدیم با اعمال سیستم خون، جمعی از افراد از جمله اشخاص بدون والدین یا اشخاصی که تابعیت والدین آن‌ها معلوم نیست، بدون تابعیت یا آپاترید (apatride) باقی می‌مانند؛ اما اگر تمامی کشورها به متولدین خاک خود تابعیت



بدهند، درواقع مشکل بی‌تابعیتی به طرز قابل توجهی کاهش خواهد یافت. این رویکرد برای نوزادانی که در کشورها، کشتی‌ها یا هواپیماهای متعلق به آن کشورها متولد می‌شوند، نیز به این معنا است که هر فردی در هرکجا که به دنیا بیاید، می‌تواند تابعیت آن کشور را به دست آورد. این امر به‌ویژه برای نوزادانی که در سفر یا در شرایط خاص به دنیا می‌آیند، اهمیت دارد و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که حداقل تابعیت یک کشور را داشته باشند.

به‌عنوان مثال، یک متشرع مذهب کاتولیک تأکید می‌کند که فردی که در خاک یک کشور متولد می‌شود، به‌ناچار در سرزمین دیگری متولد نشده است. از این رو تابعیت آن کشور به‌طور طبیعی به او تعلق می‌گیرد. بنابراین، اگر فردی تابعیت کشور محل تولد خود را نپذیرد، عملاً هیچ دولت دیگری وجود ندارد که بتواند تابعیت دیگری به او اعطا کند. این نظریه نشان‌دهنده این است که سیستم خاک می‌تواند به شکل مؤثری مشکل افراد بدون تابعیت را حل کند و تضمینی برای هر نوزاد باشد که حقوق و حمایت‌های قانونی مرتبط با تابعیت را داشته باشد. بنابراین حمایت از سیستم خاک نه تنها به مفهوم حقوق فردی، بلکه به تقویت انسجام اجتماعی و کاهش مشکلات ناشی از بی‌تابعیتی نیز کمک می‌کند. این رویکرد به کشورهای مختلف امکان می‌دهد که به‌طور هم‌زمان بر اصول عدالت و حقوق بشر تأکید داشته باشند و از بحران‌های اجتماعی و قانونی ناشی از وجود افراد بدون تابعیت جلوگیری کنند.

۴. غلبه عوامل اجتماعی بر عوامل ارثی: بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که عوامل اجتماعی در سازندگی افراد بیش از عوامل ارثی مؤثرند. کسی که در محلی متولد شد، رشد کرد و از آب و هوای محل استفاده نمود، با آداب و سنن و عادات مردم خو گرفت، قطعاً به آن اجتماع نزدیک‌تر می‌شود و تابعیت او با دولت چنین اجتماعی، طبیعی‌تر است. جان لاک، فیلسوف مشهور انگلیسی بر این نظر است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

۵. مصلحت کشورهای مهاجرپذیر: کشورهایی که دارای وسعت خاک و منابع طبیعی فراوان هستند؛ اما جمعیت کمی دارند، معمولاً تلاش می‌کنند تا با جذب مهاجران و افزایش جمعیت، قدرت اقتصادی و اجتماعی خود را تقویت کنند. این کشورها به دلیل نیاز به توسعه و افزایش نیروی انسانی، به‌راحتی مهاجران را پذیرفته و در اعطای تابعیت سخت‌گیری نمی‌کنند. در این شرایط، پذیرش سیستم خاک می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی

مؤثر در نظر گرفته شود؛ زیرا با اعطای تابعیت به افرادی که در خاک آن کشور متولد می‌شوند، می‌توانند به افزایش جمعیت و نیروی کار خود کمک کنند. افزایش جمعیت می‌تواند به تقویت قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور منجر شود و به آن امکان می‌دهد که در عرصه‌های بین‌المللی بیشتر دیده شود.

به عبارت دیگر، کشورهای با نیاز به رشد جمعیت و توسعه اقتصادی می‌توانند از طریق سیستم خاک، تابعیت را به افرادی که در خاک آن‌ها به دنیا می‌آیند اعطا کنند. این امر همچنین به ایجاد جامعه‌ای متنوع و پررونق کمک می‌کند که به نوبه خود بازار کار و فرصت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد. به همین دلیل، چنین کشورهایی معمولاً سیاست‌های مهاجرتی را برای جذب افراد با مهارت‌های مختلف تنظیم می‌کنند و سعی دارند تا از ظرفیت‌های انسانی موجود به بهترین نحو استفاده کنند. در این راستا، استفاده از سیستم خاک نه تنها به حل مسائل جمعیتی کمک می‌کند، بلکه باعث بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی نیز می‌شود. این استراتژی به‌ویژه در کشورهایی که به دنبال رونق اقتصادی و بازسازی قدرت ملی هستند، منطقی و حیاتی به نظر می‌رسد.

۶. ایجاد قوانین آسان‌تر برای اخذ تابعیت: در این سیستم تابعیت به فرد متولد شده در قلمرو کشورها داده می‌شود. بعضی کشورها نیز این اجازه را می‌دهند که افراد برای تولد فرزند وارد آن شده و تابعیت بگیرند.

۵-۳. مشکلات اجرای سیستم خاک در ایران

تابعیت بر اساس خاک که به معنای اعطای حق تابعیت به هر فردی متولد در یک سرزمین، شناخته می‌شود، در فقه اسلامی جایگاهی ندارد و به‌طور خاص در شرایطی که فرزند از والدینی غیرمسلمان (مانند ذمی یا مستأمن) در دارالاسلام به دنیا بیاید، این نظریه مورد قبول نیست. فقه اسلامی بر این باور است که تولد در سرزمین اسلامی به‌تنهایی نمی‌تواند موجب ایجاد حق تابعیت ایمانی برای فرد شود. بنابراین فرزند مستأمن، حتی اگر در دارالاسلام به دنیا بیاید، به‌عنوان تبعه دولت اسلامی شناخته نمی‌شود. همچنین فرزند ذمی نیز فقط در صورتی تبعه پیمانی محسوب می‌شود که والدین او با دولت اسلامی پیمانی داشته باشند. تنها استثنایی که فقها مطرح کرده‌اند، در مورد وضعیت نوزادانی است که اصل نسب



آن‌ها مورد تردید باشد. در این مورد، اگر کودکی در دار الاسلام و در میان مسلمانان پیدا شود، حکم بر مسلمانی او می‌شود و به تبع آن، او جزء اتباع دولت اسلامی تلقی می‌گردد. این نکته اهمیت منحصر به فردی در فقه اسلامی دارد و نشان‌دهنده این است که اصل نسب و ارتباط خانوادگی، در مقایسه با مکان تولد، نقش محوری‌تری در تعیین تابعیت دارد. بنابراین در فقه اسلامی، تابعیت بیشتر بر اساس روابط خانوادگی و پیمان‌ها بنا شده تا بر اساس مکان تولد. این رویکرد به نوعی تأکید بر اصل خون و نسب و ارتباطات خانوادگی در تعیین هویت فردی و اجتماعی در جوامع اسلامی است و اگر همین طفل در دار الاسلام و در میان ذمیان یافت شود، حکم بر ذمی بودن او می‌شود. (ر.ک. طوسی، ۱۳۷۸، ۲: ۲۶) اما می‌توان گفت این حکم در اسلام بنا به مصالحی از جمله دریافت جزیه از کافران ذمی و نشانگر ایجاد یک روح واحد در بین مسلمانان بوده و دلالتی بر عدم پذیرش سیستم خاک ندارد. در فرض پذیرش، باید آن را به کافران تخصیص زد نه تمام مهاجرانی که وارد ایران می‌شوند که ممکن است حتی به ندرت اهل کتاب بوده و غالباً مسلمانانی هستند که برای تعلیم علوم دینی و کسب روزی حلال وارد سرزمین ایران شده‌اند. علاوه بر آن لزوم پذیرش مهاجران مسلمان و پیوند با برادران دینی، مورد تأکید اسلام و انقلاب اسلامی است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۴: ۵۷)

۶. علل لزوم تغییر در سیستم ایران

۶-۱. تغییر ایران از مهاجر فرست به مهاجر پذیر

ایران در حال حاضر با گذشته تفاوت زیادی کرده است. سابقاً کشوری مهاجر فرست بود؛ اما اکنون یکی از مناطق عمده تمرکز مهاجران و پناهندگان خارجی در چند دهه اخیر است و هنوز هم تعداد قابل توجهی از آن‌ها در این کشور زندگی می‌کنند. به طوری که نتایج سرشماری ۱۳۸۵، حضور ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار مهاجر و تبعه خارجی را در ایران نشان می‌دهد، (صادقی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷: ۱) ولی بررسی آخرین جزئیات سرشماری اتباع خارجی در ایران، نشانگر آن است که بین ۴ میلیون و ۳۰۰ تا ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اتباع افغانستانی در کشور هستند. (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱: ۳۴۸۷۳۸۰)

۶-۲. وجود اشکالات در سیستم کنونی کشور

در قانون مدنی ایران، معیار خون و خاک برای تعیین تابعیت افراد در نظر گرفته شده است؛ اما با بررسی بیشتر در این مورد، با اشکالاتی در قانون مدنی در کاربرد عملی این دو معیار، برخورد خواهیم کرد. مثلاً معیار خون را فقط از جهت رابطه خونی پدر با فرزند در نظر گرفته و برای مادر هیچ اهمیتی در رابطه خونی قائل نیست که باعث می‌شود فرزند متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی برای کسب تابعیت ایران ۱۸ سال صبر کند، ولی یک بیگانه برای گرفتن تابعیت ایرانی فقط با ۵ سال اقامت در ایران و سایر شرایط دیگر تابع ایران شود. (ماده ۹۷۹ ق.م)

مشاهده خواهیم کرد که بسیاری از مشکلات مربوط به تابعیت در ایران، به ناآگاهی مردم از قانون مدنی یا نواقص موجود در این قانون برمی‌گردد. پذیرش سیستم تلفیقی خون و خاک در کشور، ممکن است مزایایی برای کشور در برداشته باشد؛ اما از طرفی نواقصی دارد که نیاز به رفع آن از راه رویه‌های قضایی یا اصلاح قوانین یا بنا به مصالحی محتاج تغییر اساسی سیستم حقوقی کشور است.

۶-۳. توسعه و رونق اقتصادی

با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر، فرزندآوری تقلیل پیدا کرده و جمعیت ایران در حال کاهش است، پذیرش سیستم خاک می‌تواند در این زمینه سبب بهبود وضع جمعیتی ایران و ایجاد رونق اقتصادی و بازار کار شود.

۶-۴. به حداقل رساندن پدیده تابعیت مضاعف در ایران

از آنجاکه هر دولتی مطابق مصالح خود، تدابیری اتخاذ می‌کند و دولت‌ها عموماً به یک شکل و روش عمل نمی‌کنند، قهراً تابعیت مضاعف حادث می‌شود، درحالی‌که اگر تمام کشورهای مهاجرپذیر از جمله ایران، سیستم واحدی در پذیرش تابعیت اخذ کنند، نسبت به این کشورها پدیده تابعیت مضاعف، کاملاً از بین می‌رود و فقط در مقایسه با کشورهای که سیستم متفاوت دارند، این پدیده ایجاد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در کشورهای دنیا، تابعیت بر اساس سیستم خاک یا تابعیت ارضی و سیستم خون یا تابعیت



نسبی به رسمیت شناخته شده است؛ اما در ایران اصل بر تابعیت سیستم خون است، ولی در مواردی از سیستم خاک نیز برای اعطای تابعیت استفاده شده است. با بررسی بیشتر در این مورد با اشکالاتی در قانون مدنی در کاربرد عملی این دو معیار باید برخورد صورت گیرد. برای حل اشکالات مطرح شده در بحث اتخاذ سیستم دوگانه خون و خاک در مقرر قانون مدنی چند راه وجود دارد:

اول آنکه مقرر قانونی از راه رویه‌های قضایی و یا اصلاح قوانین تغییر کند و این نیازمند بررسی تمام جوانب موضوع و مصالح دولت است. دوم آنکه ایران فقط سیستم خون را مبنای تابعیت قرار دهد که این راه با اشکالاتی که مطرح شد، مواجه بوده و برای ایران که اکنون به یک کشور مهاجرپذیر تبدیل شده و جمعیت ایرانی آن رو به کاهش است، مناسب نیست. سوم آنکه مثل برخی کشورهای مهاجرپذیر مانند کانادا و آمریکا و با شروطی که مصلحت دولت ایران اقتضا می‌کند، سیستم خاک می‌تواند راه مناسب‌تری باشد.

برای جلوگیری از ایجاد مشکلات پیش‌آمده و ایجاد همگونی در مسئله تابعیت، بین کشورهای مهاجرپذیر از جمله ایران و به دلیل داشتن مزایای فراوان سیستم خاک، پیشنهاد می‌شود که در ایران نیز از این سیستم تبعیت شود؛ زیرا در تابعیت رابطه فرد با دولت تنظیم می‌شود، نه رابطه فرزند با والدین که متکی به اصل خون باشیم.

فهرست منابع

۱. آل کجباف، حسین، (۱۳۸۹)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات جنگل.
۲. ابراهیمی، سید نصرالله، (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات سمت.
۳. ارفع نیا، بهشید، (۱۳۷۴)، *حقوق بین‌الملل خصوص*، تهران: نشر تحقیق.
۴. بلدسو، رابرت، بوسچک، (۱۳۷۵)، *فرهنگ حقوق بین‌الملل*، (مترجم: دکتر بهمن آقایی)، تهران: نشر گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۶. حدادیان، محمدعلی، آهنی، ابراهیم، (۱۳۹۵)، «*بررسی تابعیت مضاعف در حقوق بین‌الملل*»، کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
۷. خبرگزاری صدا و سیما، (۰۴ تیر ۱۴۰۱ - ۰۶:۴۹)، *کد خبر: ۳۴۸۷۳۸۰*.
۸. خلعتبری، ارسلان، (۱۳۱۶)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: بی‌نا، چاپخانه روشنایی.
۹. سلجوقی، محمود، (۱۳۸۰)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: نشر میزان.
۱۰. شیخ‌الاسلامی، سید محسن، (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: نشر گنج دانش.
۱۱. صادقی، رسول، (۱۳۸۵ و ۱۳۸۷)، *بررسی وضعیت مهاجران خارجی در ایران بر مبنای داده‌های سرشماری ۱۳۸۵*، تهران: گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۷۸)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: بی‌نا.
۱۳. قانون مدنی ایران.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۵)، *صحیفه امام (صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



۱۶. نصیری، محمد، (۱۳۷۲)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: انتشارات آگاه.
۱۷. نیازی، یوسف، (۱۳۹۴)، درس‌نامه جامع حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: نشر اندیشه فاضل.
18. information: <http://www.justiceinitiative.org>.
19. patrick weil and Alexis Spire, “France” in Rainer Baubock, Eva Ersboll, Kees Groenendijk and Harald Waldrauch, Acquisition and Loss of Nationality (2007): Comparative Analyses Volume: 2, country Analyses poquisition and Trends in 15 European Countries, Amsterdam University Press
20. Sadiq, Kamal, Paper Citizens (2008): How Illegal Immigrants Acquire Citizenship in Developing Countries. Oxford University Press.
21. U.S. Department of State. (2021). Statelessness BUREAU OF POPULATION, REFUGEES, AND MIGRATION. Taken from U.S. Department of State: <https://www.state.gov/other-policy-issues/statelessness/>, accessed on March 10, 2022.